

جمعیت ایران در مسیر پیری

«۲۴ میلیون از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران تا ۳ دهه آینده سالمند خواهند شد.» این پیش‌بینی کارشناسان از وضعیت پراکندگی جمعیتی ایران تا سال ۲۰۵۰ است، البته این اولین هشدار نیست و سال‌هاست که پژوهشگران نسبت به پدیده پیری جمعیت اظهار نگرانی می‌کنند.

سلامت نیوز: «۲۴ میلیون از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران تا ۳ دهه آینده سالمند خواهند شد.» این پیش‌بینی کارشناسان از وضعیت پراکندگی جمعیتی ایران تا سال ۲۰۵۰ است، البته این اولین هشدار نیست و سال‌هاست که پژوهشگران نسبت به پدیده پیری جمعیت اظهار نگرانی می‌کنند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان ملی، تنهایی و فقر از مهمترین نگرانی‌های کارشناسان اجتماعی در این مورد است و زنان سالمند بیشتر در معرض چنین خطراتی قرار دارند. آخرین آمارهای سرشماری کشور در سال ۹۵ نشان می‌دهد، حدود ۱۰ درصد از جمعیت کل کشور سالمند هستند.

افرادی که در حال حاضر از نظر معیشت، سلامت، اشتغال و فراغت دچار مشکلات جدی هستند و با کاهش باروری و افزایش سطح مراقبت‌های بهداشتی و درمانی قرار است تعداد آنها تا سال‌های آینده، ۳ برابر شود، به طوری که به گفته کارشناسان تا سال ۲۰۵۰، به ازای هر ۳ فرد، یک سالمند وجود دارد.

زنان معمولاً از نظر سلامتی، اجتماعی و روانی شکنندگی بالاتری دارند و آسیب‌پذیرتر هستند. بنابراین افزایش تعداد زنان سالمند تنها دغدغه‌های فراوانی را برای تامین امنیت و مراقبت از آنها ایجاد می‌کند.

بر اساس نظر کارشناسان در حال حاضر به ازای هر یک مرد سالمند تنها، پنج زن سالمند تنها وجود دارد. در واقع به نظر می‌رسد میزان مشکلات این زنان بسیار بیشتر از مردان باشد و باید برنامه ریزی بیشتر و جدی‌تری برای تامین نیازهای زنان سالمند انجام شود.

برخی از کارشناسان اعتقاد دارند پدیده سالمندی در ایران در حال زبانه‌شدن است، این در حالی است که در سال‌های اخیر دچار تغییر و تحولات متعددی در حوزه سالمندی از نظر جنسیتی بودیم، به طوری که در سال ۱۳۵۵، به ازای هر ۱۰۶ سالمند مرد، ۱۰۰ سالمند زن داشتیم اما این نسبت در حال حاضر به ۹۷ مرد و ۱۰۰ زن رسیده است، همچنین حدود ۲۰ درصد از سالمندان زن کشور در حال حاضر تنها زندگی می‌کنند.

زنانی که هیچ حمایتی نمی‌شوند و دچار مشکلات متعددی هستند. برخی از آنها حتی از افسردگی و بیماری‌های پوکی استخوان رنج می‌برند. این در حالی است که تنها ۵ درصد از مردان سالمند کشور ما تنها زندگی می‌کنند. به همین علت، حمایت از آنها باید در دستور کار جدی نهاد‌های حمایتی قرار گیرد.

نگاه تحقیرآمیز به سالمندان

یک جمعیت‌شناس و استاد دانشگاه با بیان آنکه نگاه به سالمندی در کشور نگاهی مناسبی نیست، بر لزوم تغییر نگاه به پدیده سالمندی در کشور تاکید کرد و گفت: وقتی ما احترام سالمندان را در حوزه‌های مختلف روانی، اجتماعی و اقتصادی نگه نداریم دیگر چه انتظاری می‌توانیم از جامعه داشته باشیم؟ به همین دلیل باید نوع نگاه به پدیده سالمندی در کشور تغییر کند.

شهلا کاظمی پور با بیان آنکه سالمندی را به عنوان مساله‌ای اجتماعی نمی‌دانم، افزود: انتخاب روزی به عنوان روز سالمند در کشور برای تکریم و توجه به سالمندان است زیرا باید بدانیم همه سالمندان ناتوان نیستند بلکه برخی از آنها بسیار توانمند بوده و استفاده از تجارب آنان باید در دستور کار قرار گیرد.

او با بیان آنکه بر اساس پیش‌بینی‌های صورت گرفته تا سال ۱۴۰۵، سه میلیون نفر به جمعیت ۶۰ سال به بالای کشور افزوده خواهد شد، گفت: در ۱۰ سال آینده جمعیت سالمندان بالای ۶۰ سال کشور به ۱۰.۵ میلیون نفر برابر با ۱۰/۷ درصد جمعیت کشور می‌رسد.

کاظمی پور در بخش دیگری از سخنانش با بیان آنکه حدود سه میلیون نفر از سالمندان کشور سرپرست خانوار هستند، گفت: 2/5 میلیون نفر از آنها مرد و 750 هزار نفر از آنان را نیز زنان سالمند تشکیل می دهند.

به گفته او حساس ترین گروه سالمندی کشور را زنان سالمند تشکیل می دهند که البته نمی توان تمام زنان سالمند را در این دایره گنجانید بلکه آن دسته از زنان سالمندی که سرپرست خانوار خود را از دست داده، محل درآمدی ندارند و فاقد هر گونه مهارت و شغلی هستند را می توان آسیب پذیرترین قشر سالمند کشور در نظر گرفت.

خانه سالمندان با فراوانی زنان

رئیس سابق دبیرخانه شورای ملی سالمندان با اشاره به اهمیت موضوع زنانه شدن سالمندی در کشور می گوید: تعداد زنان سالمند در استان های فقیر و کم برخوردار به نسبت استان های برخوردار بیشتر است. فرید براتی سده تاکید می کند: هنگامی که زن سالمند تنها می شود باید از او مراقبت کرد و ارائه خدمات مراقبتی هزینه بردار است.

او می افزاید: باید هزینه های مراقبت این زنان پرداخت شود علاوه بر آنکه آنها نمی توانند مشارکت فعال تری در جامعه داشته باشند، بنابراین از این منظر زنانه شدن سالمندی برای کشور مشکل آفرین است. براتی خاطرنشان می کند: در حال حاضر در ازای هر مرد سالمند تنها چهار تا پنج زن سالمند تنها داریم.

در صورت افزایش این تعداد در تامین هزینه ها و بار مراقبتی جسمی، روانشناسی و اجتماعی با مشکل رو به رو می شویم. در این صورت هزینه زیادی به دولت تحمیل می شود. او می افزاید: نیروی انسانی لازم برای ارائه خدمات مراقبتی به سالمندان تربیت نشده است و این خود مساله ای جداگانه و قابل بحث است.

او می گوید: در حال حاضر در بسیاری از استان های کشور متخصصان سالمندی و «طب سالمندی» وجود ندارد. براتی سده خاطرنشان می کند: براساس تحقیقات سال های گذشته در روندهای سالمندی، آمار تعداد زنانی که به سرای سالمندان سپرده می شوند به نسبت مردان بیشتر است.

این نشان می دهد خانواده ها تمایل کمتری برای نگهداری مادران و زنان سالمند به نسبت پدران و مردان سالمند دارند که این واقعیت از منظری دیگر زنانه شدن سالمندی را دچار مشکل می کند. او می افزاید: با توجه به این آمار باید میزان زیادی مراکز نگهداری سالمند و همچنین نیروی انسانی موردنیاز برای نگهداری از تعداد زیادی زن سالمند تنها داشته باشیم.

بازهم مشکلی به نام دهه 60

وی همچنین خاطرنشان می کند: مهم ترین عاملی که باعث افزایش روند پیری جمعیت در ایران شد، رشد جمعیت در دهه 60 است. ما در این دوره انفجار جمعیت را داشتیم و بعد از آن با کاهش زادوولد روبه رو بودیم.

همه این اتفاقات دست به دست هم داد تا در 3 دهه آینده، 30 درصد از جمعیت کشور سالمند شود. برای پی بردن به عمق این فاجعه، مثالی برای شما می زنم. اگر جمعیت کشور 90 میلیون نفر باشد، 30 میلیون نفر از این تعداد سالمند خواهند بود. بنابراین، ضروری است تا مسئولان حوزه سالمندان برنامه ریزی درستی برای این وضعیت داشته باشند تا در آینده دچار مشکل نشویم.

خاکستری شدن جمعیت علاوه بر از بین بردن پویایی و تحرک یک جامعه لزوما دارای پیامد های منفی نیست. اگر کشور ما هم مانند کشورهای اروپایی و غربی برنامه ریزی درستی برای سالمندان خود داشته باشد می تواند سالمندان موفق و فعالی تربیت کند، در صورتی هم که مانند الان به وضعیت موجود بی توجه باشد در آینده با تعداد زیادی سالمند بیمار روبه رو خواهیم بود.